

یادداشت

دیپلماسی انرژی و ضرورت آن

مهدی عرب‌صادق؛ دیپلماسی انرژی به عنوان یکی از ارکان اساسی روابط بین‌الملل و تعاملات جهانی، نقشی حیاتی در تأمین امنیت

انرژی، توسعه اقتصادی و پایداری زیست‌محیطی ایفا می‌کند. بازیگران اصلی این عرصه شامل کشورهای می‌شوند که تولیدکننده بزرگ انرژی هستند؛ کشورهایی که واردکننده عمده انرژی‌اند و همچنین نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که نقش تنظیم و نظارت بر بازارهای انرژی را ایفا می‌کنند.

تامل‌برانگیز است که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان، ایالات متحده آمریکاست و نقش برجسته‌ای در تأمین انرژی جهان ایفا می‌کند. سیاست‌های انرژی ایالات متحده به‌شدت تأثیرگذار بر تحولات داخلی و خارجی دیگر کشورهاست. دیپلماسی انرژی در آمریکا، آثار ژئوپلیتیکی گسترده‌ای داشته و روابط آمریکا با کشورهایی مثل عربستان و روسیه را پیچیده‌تر کرده است.

روسیه نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز طبیعی، نقش مهمی در دیپلماسی انرژی دارد و یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی اروپاست. یکی از دلایل این توفیق این است که سیاست‌های انرژی روسیه همواره منطبق با اهداف ژئوپلیتیکی این کشور هماهنگ بوده است که در بحران اوکراین و تهدید قطع گاز به اروپا نشان‌دهنده اهمیت استراتژیکی انرژی در سیاست خارجی روسیه بود.

چین به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت خ‌ام و دومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در جهان، نقش ویژه‌ای در دیپلماسی انرژی دارد. این کشور با واردات بیش از ۱۱ میلیون بشکه نفت در روز، به‌شدت به تأمین انرژی پایدار نیازمند است و ناگزیر شده است سیاست‌های انرژی خود را بر تنوع‌بخشی به منابع انرژی و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر متمرکز کند.

از طرفی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مثل اوپک، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) و اتحادیه اروپا نیز نقش مهمی در تنظیم و نظارت بر بازارهای انرژی ایفا می‌کنند که تنظیم‌گر این نهادها دستگاه دیپلماسی در کشور است.

به طور کلی دیپلماسی انرژی تحت تأثیر ترکیبی از عوامل اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی است. بازیگران اصلی این عرصه، هریک با اهداف و منافع خاص خود، تلاش می‌کنند تا تأثیرات خود را بر بازارهای جهانی انرژی افزایش دهند. درک پیچیدگی‌ها و دینامیک‌های این عرصه، برای رشد و توسعه کشورمان ضروری است و با توجه به اینکه مرتبط با تحولات جهانی است، ضرورت دارد متولی متمرکز دیپلماسی انرژی وزارت خارجه باشد و از واگرایی در تصمیم‌گیری‌های دیگر وزارتخانه‌ها پرهیز شود.

راهکارهای دیپلماسی انرژی شامل مجموعه‌ای از اقدامات و سیاست‌هایی هستند که به منظور مدیریت و بهینه‌سازی منابع انرژی، کاهش تنش‌ها و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه است که قبلا در یادداشت ضرورت تشکیل وزارت انرژی به آن پرداخته‌ام.

۱. **تنوع‌بخشی به منابع انرژی**

یکی از راهکارهای اساسی دیپلماسی انرژی، تنوع‌بخشی به منابع انرژی است تا وابستگی خود به یک یا چند منبع محدود را کاهش دهند و از انواع مختلف منابع انرژی بهره‌برداری کنند؛ همان‌طورکه کشورهای اروپایی با استفاده از منابع تجدیدپذیر مانند باد و خورشید، تلاش دارند تا وابستگی به واردات گاز طبیعی از روسیه را کاهش دهند. این اقدام نهایتاً به کاهش خطرات ژئوپلیتیکی کمک می‌کند، بلکه به تحقق اهداف زیست‌محیطی نیز یاری می‌رساند و در کشور ما سهم ظرفیت تجدیدپذیر نسبت به سبد کلان انرژی زیر ۰.۵ درصد است و نسبت به کل انرژی برق در حد ۱.۵ درصد است.

۲. **توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه**

توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه از دیگر راهکارهای دیپلماسی انرژی هستند که می‌توانند به تثبیت روابط بین‌المللی در این حوزه کمک کنند و باید تلاش شود سایه تحریم‌ها از سر کشور برداشته شود. به عنوان مثال، توافق‌نامه‌های گازی بین ایران و ترکیه یا توافق‌نامه‌های نفتی بین عربستان سعودی و چین نمونه‌هایی از این نوع همکاری‌ها هستند. این توافق‌نامه‌ها می‌توانند شامل مبادله فناوری، سرمایه‌گذاری مشترک و تأمین امنیت انرژی باشند.

۳. **توسعه زیرساخت‌های انرژی**

توسعه زیرساخت‌های انرژی شامل احداث خطوط لوله، شبکه‌های برق‌رسانی و تأسیسات ذخیره‌سازی انرژی، یکی دیگر از راهکارهای مهم دیپلماسی انرژی است. برای مثال، پروژه خط لوله «ترک‌استریم» که گاز روسیه را به اروپا منتقل می‌کند، نمونه‌ای از همکاری‌های زیرساختی است که می‌تواند به تأمین امنیت انرژی در منطقه کمک کند.

اما زیرساخت‌های نفتی و برق در کشور ما به‌شدت فرسوده است و ما را در معرض نه بحران، بلکه فاجعه قرار داده است.

۴. **افزایش بهره‌وری انرژی و مدیریت چرخه عمر**

افزایش بهره‌وری انرژی و استفاده بهینه از منابع موجود نیز از جمله راهکارهای مهم است. کشورهای صنعتی مانند آلمان با تدوین و اجرای سیاست‌های بهره‌وری انرژی، توانسته‌اند مصرف انرژی خود را به طور درخور توجهی کاهش دهند و درعین‌حال، تولید ناخالص داخلی خود را افزایش دهند. این اقدام نه‌تنها به کاهش هزینه‌ها کمک کرده است، بلکه به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نیز منجر شده است.

۵. **تحقیق و توسعه (R&D)**

سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) برای یافتن راهکارهای نوین در حوزه انرژی مورد غفلت بوده است. کشورهای پیشرفته مانند آمریکا و ژاپن با اختصاص بودجه‌های کلان برای تحقیق و توسعه در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و تکنولوژی‌های پیشرفته، توانسته‌اند نقش مهمی در تعیین آینده انرژی جهانی ایفا کنند اما ...

۶. **همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی**

همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) و اوپک نیز از دیگر راهکارهای مؤثر دیپلماسی انرژی هستند. این نهادها می‌توانند با ارائه تحلیل‌های جامع و توصیه‌های سیاستی، به کشورهای عضو در تدوین راهبردهای کارآمد در حوزه انرژی کمک کنند.

بنابراین به دولت چهاردهم توصیه می‌شود دیپلماسی انرژی با توجه به پیچیدگی‌ها و تحولات سریع در عرصه جهانی، نیازمند رویکردهای چندجانبه و هماهنگ در دستگاه دیپلماسی است. تنوع‌بخشی به منابع انرژی، توافق‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش بهره‌وری انرژی، تحقیق و توسعه و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله راهکارهای مؤثر هستند که می‌توانند به تأمین امنیت انرژی، کاهش تنش‌ها و توسعه پایدار کمک کنند. بهره‌گیری از این راهکارها نیازمند تحلیل دقیق و هماهنگی بین سیاست‌گذاران، مهندسان و متخصصان حوزه انرژی است تا بتوان به اهداف بلندمدت در این زمینه دست یافت و تنظیم‌گری سیاست‌های انرژی جز از مسیر متمرکز در دستگاه دیپلماسی خارجی میسر نیست.

گزارشی اجمالی از کارنامه مالی مدیریت شهری ششم که بدون احتساب تورم، معجزه‌آسا به نظر می‌رسد؛

توهم تورمی؟

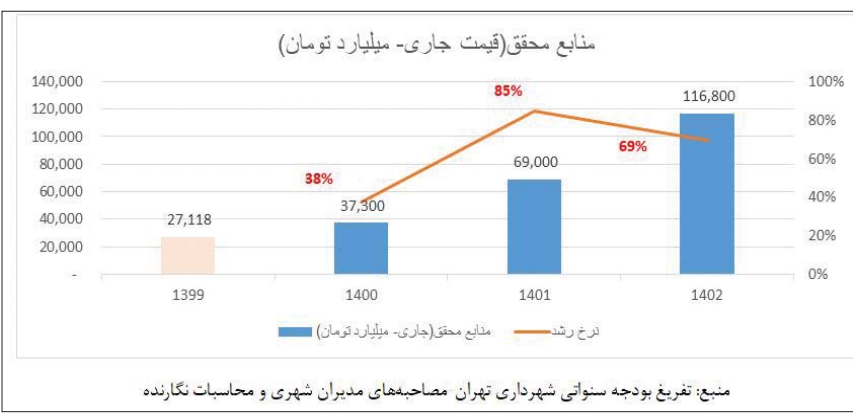
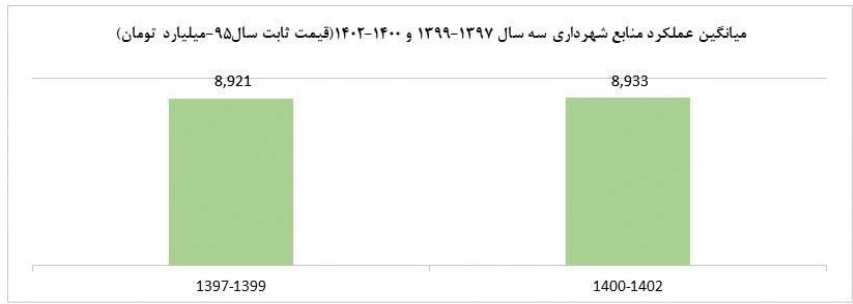
توجح طالبوف؛ گزارش‌های مالی شهرداری تهران در فاصله سه سال از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا انتهای ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که منابع محقق‌شده رشدی حدود ۳۳۱ درصد داشته و در تخصیص بودجه عمرانی رشدی حدود ۴۰۸ درصد رخ داده است. این موضوع درحالی رخ می‌دهد که این رشد خیره‌کننده منابع و بودجه عمرانی در ظاهر شهر محسوس نیست. پاسخ این تناقض در علم اقتصاد است و تومی که تورم ایجاد کرده است. در واقع اگر بخواهیم از صورت‌های مالی شهرداری تورمزدایی کنیم، مشخص می‌شود که اتفاق خاصی در منابع و بودجه عمرانی شهرداری رخ نداده است و شهرداری تهران دیگر نمی‌تواند با تورم دستاوردسازی کند!

چگونه منابع شهرداری جهش داشت؟

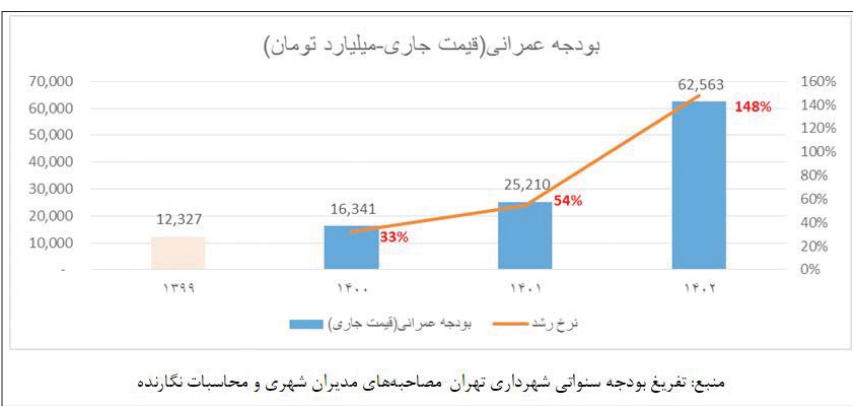
زمانی که ایرونیگ فیشر (۱۹۴۷-۱۸۶۷)، اقتصاددان شهپهر آمریکایی برای نخستین بار پدیده‌ای به نام «توهم پولی» (money illusion) را در کتاب تثبیت دلار (Stabilizing the Dollar) کشف کرد، احتمالاً هیچ‌گاه به این نمی‌اندیشید که در ایران سیاست‌مدارانی ظهور کنند که در فقدان درک صحیح از این پدیده رشد درآمد‌ها و هزینه‌های عمرانی سازمان متبوعشان را به پای عملکرد درخشان خود گذاشته و از هیچ فرصتی برای ارائه این دستاورد شگرف دریغ نکنند. با این مقدمه کوتاه، گزارش حاضر کوششی در راستای آشکارکردن برخی ابعاد عملکردی مدیریت شهری ششم در حوزه منابع و هزینه‌های عمرانی است. با نگاهی به عملکرد تحقق منابع شهرداری تهران در فاصله سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۲ با رشدهای جدی مواجه می‌شویم که در نمودار زیر به‌خوبی قابل ردیابی است.

همان‌گونه که در نمودارهای ارائه‌شده دیده می‌شود، در سال ۱۴۰۰ منابع محقق‌شده شهرداری تهران نسبت به سال قبل حدود ۳۸ درصد رشد کرده، همچنین در سال ۱۴۰۱ این رشد سالانه به حدود ۸۵ درصد رسیده که در نوع خود کم‌نظیر است. این روند با کمی کاهش در سال ۱۴۰۲ به حدود ۶۹ درصد رسیده که سبب شده منابع محقق شهرداری تهران (نقد و غیرنقد قابل تخصیص) به حدود ۱۱۷ هزار میلیارد تومان برسد. این موضوع در مورد روند تخصیص بودجه عمرانی طی سال‌های مورد اشاره نیز صادق است که در نمودار پیش‌رو به‌خوبی قابل رهگیری است. در مواجهه نخست با گزارش حاضر دستاوردی

کم‌نظیر به ذهن متبادر می‌شود؛ چراکه در فاصله سه سال از ابتدای سال ۱۴۰۰ تا انتهای ۱۴۰۲ در منابع محقق رشدی حدود ۳۳۱ درصد و در تخصیص بودجه عمرانی رشدی حدود ۴۰۸ درصد رخ داده است. اما تناقض اساسی از آنجا شروع می‌شود که آثار این رشد حیرت‌آور نمود بیرونی در شهر پیدا نمی‌کند و ما را با این پرسش روبه‌رو کرده که چرا تحول محسوس در منابع و هزینه‌های عمرانی شهرداری منجر به وضعیت نگهداشت و توسعه شهر نشده است؟ برای پاسخ به پرسش بالا پس از مروری کوتاه بر پدیده «توهم پولی»، اثر آن بر توضیح تناقض یادشده این‌گونه شرح داده می‌شود: در علم اقتصاد، توهم پول، یا توهم قیمت، یک سوگیری شناختی است که در آن پول به‌جای ارزش واقعی (با لحاظ تورم)، به صورت ارزش اسمی در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، ارزش اسمی پول با قدرت خرید آن (ارزش واقعی) در یک مقطع زمانی قبلی اشتباه گرفته می‌شود. درک شایع خرید با استفاده از ارزش اسمی نادرست است، زیرا پول به خودی خود ارزش ذاتی ندارد و ارزش واقعی آن صرفاً به سطح قیمت بستگی دارد. بنابراین، با تورمزدایی از عملکرد مالی شهرداری تهران و مقایسه سه سال اخیر در مدیریت شهری ششم با سه سال انتهایی مدیریت شهری پنجم، نتایج قابل توجهی آشکار می‌شود. باید تأکید کرد در صورت رفع توهم پولی از داده‌های مالی شهرداری تهران و قیاس میانگین عملکرد سه سال ۱۳۹۹-۱۳۹۷ و ۱۴۰۲-۱۴۰۰ مشخص می‌شود که عملکرد مالی شهرداری در دو دوره زمانی گفته‌شده تفاوت بسیار ناچیز حدود ۱۱ میلیارد تومانی دارد که کمی بیش از یک‌هزارم درصد است. این امر به‌خوبی روشن‌کننده این موضوع است که برخلاف گفته‌های مدیران شهری، عملکرد مالی شهرداری تهران در مورد تحقق منابع مالی برای نگهداشت و توسعه شهر با قیمت‌های واقعی تفاوت معنی‌داری نکرده است. نکته قابل ملاحظه در این گزارش این است که کاوش در ترکیب منابع تأمین‌شده نیز محل جدی مناقشه خواهد بود؛ چراکه



منبع: تفریع بودجه سنوایی شهرداری تهران مصاحبه‌های مدیران شهری و محاسبات نگارنده



منبع: تفریع بودجه سنوایی شهرداری تهران مصاحبه‌های مدیران شهری و محاسبات نگارنده

برای نمونه بخش قابل توجهی از منابع نقد ثبت‌شده حاصل تهاتر بهترین املاک شهرداری تهران با بدی‌های بانکی بوده که در فرآیند تهاتر در دفاتر مالی به صورت نقد و واریز و برداشت ثبت می‌شود و در حقیقت امکان هزینه‌کرد در پروژه‌های شهری را ندارند. همچنین فقط تا آذرماه ۱۴۰۲ به گفته خزانه‌دار شورای اسلامی شهر تهران ۱۸ هزار میلیارد تومان عوارض کسری پارکینگ وصول شده که اگر اضافه شود به فروش گسترده املاک، تغییر کاربری، هولوگرام و در نهایت حدود ۲۳ هزار میلیارد تومان مالیات بر ارزش‌افزوده، عملکرد مدیریت شهری ششم در حوزه مالی و اقتصاد شهری از ضعیف‌ترین عملکردها بوده است. در ادامه گزارش به طور مختصر به بررسی هزینه‌های عمرانی انجام‌شده طی دوره‌های زمانی یادشده پرداخته شده است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که با وجود عملکرد مشابه در تحقق منابع به قیمت واقعی و در میانگین سه سال مورد بررسی شهرداری تهران با کاهش در تخصیص بودجه عمرانی نادرست است، زیرا پول به خودی خود ارزش است، اما حاکی از آن است که برخلاف ادعا، مدیریت شهری ششم در انجام پروژه‌های عمرانی برتری نسبت به مدیریت شهری پیشین نداشته است. براساس این گزارش روش مواجهه و ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در حوزه مالیه شهرداری تهران را می‌توان در ترکیب دو عامل صورت‌بندی کرد: اول اینکه وجود توهم شدید، البته پولی میان مدیران شهری سبب ارائه گزارش‌های نادرست شده و اختلال‌های شناختی ناشی از فقر دانش اقتصادی موجب افزایش خطای تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری شهری شده است. دوم اینکه تغییرات وسیع و تهاجمی در سطح مدیران ارشد و میانی با جایگزینی مدیران وارداتی و کم‌دانش و اصلت‌دادن به معیار نگاه سیاسی در عزل و نصب‌ها با گوشه‌نشینی سرمایه انسانی خیره شهری سبب ناکارآمدی جدی در حوزه مالی و اقتصاد شهری شده که ظاهراً برای جبران آن در تلاشی نافرجام سعی در دستاوردسازی دارند.

سایه زیان‌دهی بر جاده مخصوص



که در زمان دولتی‌بودن با ساخت وانت شناخته می‌شد، پس از خصوصی‌سازی در دهه ۷۰ توانست با همکاری با شرکت‌های بزرگ ژاپنی، تولید محصولات خود را تنوع و ارتقا دهد و با تولید خودروهایی مانند «مزدا» جایگاه مهمی در بازار کسب کند. در دهه ۹۰ این خودروساز با توسعه همکاری خود با شرکت‌های خارجی، روابط خود با شرکت‌های خودروساز چینی را گسترش داد و خودروهای متنوعی وارد بازار کرد و فعالیت خود در بخش تولید کامیونت و مینی‌بوس را نیز توسعه بخشید و همه این موارد به دلیل حضور بخش خصوصی انجام شد که با برنامه‌ریزی مناسب و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و رصد بازار به نتیجه رسید و چه سا اگر خصوصی‌سازی اتفاق نمی‌افتاد، کماکان خط تولید وانت با تکنولوژی چند دهه قبل هنوز فعال بود. زمانی که نتیجه واگذاری در صنعت خودروسازی چنین پیامدهای مثبتی در پی داشته است، بنابراین مقاومت در برابر واگذاری ایران‌خودرو نشان می‌دهد منافع گروهی در زیان‌ده‌بودن این بنگاه اقتصادی است تا بتوانند به اهداف خود دست یابند و متضرران اصلی، سهامداران این شرکت خواهند بود.

گزارش

پاسخ وزارت امور

اقتصادی و دارایی

به گزارش «شرق»

وزارت امور اقتصادی و دارایی در پاس‌خ به گزارش مورخ ۲۵ مرداد ۱۴۰۳ روزنامه «شرق» با تیترب «اقتصاد تودرتوی نان» توضیحاتی به شرح زیر داد: قیمت خرید تضمینی گندم در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ و قبل از آغاز به‌کار دولت سیزدهم؛ ۵۰۰۰ تومان تعیین شد و دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۳ هر کیلوگرم گندم تولید داخل را با قیمت ۱۷۵۰۰ تومان خریداری کرد. این در حالی است که نرخ فروش گندم مورد نیاز برای تولید نان به کارخانه‌های آرد و نرخ آرد تحویلی به نانویان کشور در طول سه سال فعالیت دولت سیزدهم ثابت ماند و در نتیجه یارانه پرداختی دولت سیزدهم برای تأمین نان مردم در ۳ سال گذشته ۳.۵ برابر شد و حدود ۲۵۰ درصد افزایش یافت که یک رکورد تاریخی در دولت‌های گذشته در محافظت از قدرت خرید مردم برای تأمین اساسی‌ترین کالای سفره مردم می‌باشد. ضمناً سیاست مذکور باعث شد تا بعد از سال‌ها، در سال ۱۴۰۲ و سال ۱۴۰۳ خودکفایی تأمین گندم مورد نیاز برای تولید نان در کشور حاصل شود. در واقع هزینه تولید نان در کشور از محل آرد، در طول سه سال گذشته هیچ‌گونه افزایشی نداشته‌وبه صورت کامل توسط دولت تأمین شده و امروز نانویان عزیز کشور، کمتر از ۵ درصد هزینه تمام‌شده آرد را پرداخت می‌کنند و ۹۵ درصد باقی‌مانده هزینه تمام‌شده آرد توسط دولت تأمین می‌شود تا هزینه تأمین نان برای مردم در حداقل ممکن باشد.

یارانه سنگین آرد خبازی برای صیانت از قدرت خرید مردم، موجب تسنید نگرانی درباره سواستفاده در مصرف گندم و آرد یارانه‌ای گردید و لذا دولت سیزدهم از ابتدای سال ۱۴۰۱ طرح هوشمندسازی تخصیص یارانه آرد را در کشور پیاده‌سازی کرد. استقرار زیرساخت‌های نرم‌افزاری، سخت‌افزاری، مخابراتی و ارتباطات امن و سامانه‌های پرازشی و تحلیلی این طرح ملی، بدون استفاده از منابع بودجه‌ای دولت در سراسر کشور و حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور در کمتر از ۱۰۰ روز با سرمایه‌گذاری و اجرا توسط بانک سپه انجام شد و نصاب جدیدی در سرعت پیاده‌سازی یک طرح ملی در تاریخ بعد از انقلاب به جا گذاشت. به واسطه تکمیل و یکپارچه‌شدن تراکنش‌های فروش گندم، آرد و نان از محل اجرای طرح، برای اولین‌بار در کشور و پردازش ۱۲ میلیون تراکنش روزانه ثبت‌شده در این زیرساخت، نظام سنتی و غیرشفاف تخصیص آرد به نانویان در کشور کنار گذاشته شد و نصاب تخصیص داده‌محور و هوشمند آرد در سراسر نانویای‌های کشور پیاده‌سازی شد. اجرای این طرح موجب شد رشد مصرف آرد یارانه‌ای از ابتدای سال ۱۴۰۱ متوقف شد و علی‌رغم افزایش مصرف نان بابت افزایش جمعیت موطنان ایرانی و اتباع خارجی و... مصرف آرد یارانه‌ای خبازی در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ کاهش یابد و مصرف آرد یارانه‌ای خبازی در سال ۱۴۰۲ برابر مصرف آرد یارانه‌ای خبازی سال ۱۳۹۸ شود. متوسط سهم هزینه آرد در تولید نان با قیمت غیریارانه‌ای، بین ۶۵ تا ۷۰ درصد است که به دلیل کاهش شدید هزینه تأمین آرد نانویان توسط دولت، سهم هزینه آرد در تولید نان در سال جاری، به حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یافته و در نتیجه سهم اجاره و دستمزد، استهلاک تجهیزات نانویی، برق و گاز و خمیرمایه و... به حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد قیمت نان رسیده است. به بیان دیگر، رشد سالانه حداقل دستمزد کارگران را رشد نرخ اجاره می‌تواند روی هزینه تمام‌شده نان یارانه‌ای کشور بسیار مؤثر باشد. دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۱ بعد از حذف ارز ترجیحی و با هدف جلوگیری از سرایت افزایش قیمت کالای اساسی به نان، با پرداخت کمک‌هزینه به نانویان، رشد دستمزد و اجاره در آن سال را برای نانویان جبران کرد و در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، کارگروه‌های آرد و نان استانی مطابق روال سالیان گذشته، با دریافت داده‌های کارشناسی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و اتحادیه‌های خبازی استانی نسبت به تعدیل موردی نرخ نان تصمیم‌گیری نموده‌اند. بررسی کارشناسی داده‌ها در طول ۳ سال فعالیت دولت سیزدهم نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی دولت در تأمین یارانه گندم و آرد و نان، اجرای طرح هوشمندسازی تخصیص آرد یارانه‌ای و تعدیل نرخ نان به صورت موردی در حوزه نان باعث شده است تا سهم هزینه نان به نسبت حداقل دستمزد ماهانه در سال ۱۴۰۳، در مقیاسه با سال ۱۴۰۰، حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است. در واقع یکی از افتخارات دولت سیزدهم این است که مجموع آثار سیاست‌های حمایتی قیمتی و غیرقیمتی در حوزه نان باعث شده است تا قدرت خرید مردم در تأمین نان در پایان کار دولت در سال ۱۴۰۳، نسبت به ابتدای کار دولت در سال ۱۴۰۰، ۴۰ درصد افزایش یابد.